



در مورد مسائل مربوط به کنگره با ای میل زیر تماس بگیرید:

سردبیر: کورش مدرسی Kongere4.hekmatist@gmail.com

تاریخ انتشار  
نشریه کنگره

شماره ۸- ۱۷ سپتامبر

قرار شماره ۶: در  
رابطه با تشکلهای  
توده ای طبقه  
کارگر

اسماعیل ویسی. رحمت فاتحی،  
سلام زیجی، عبدالله دارابی،  
ابراهیم باتمانی، ملکه عزتی

توضیح: قطعنامه در رابطه با  
تشکلهای توده ای طبقه کارگر  
که در پنجم دهم حزب کمونیست  
ایران به تصویب رسیده است.  
بعلاوه این قطعنامه در کنفرانس  
اول کادرها "تشکیل حزب  
کمونیست کارگری ایران" و در  
کنفرانس اول کادرها "تشکیل  
حزب کمونیست کارگری-  
حکمتیست" مورد تصویب  
قرار گرفت. صفحه ۴

دغدغه های یک  
نماینده کنگره ؛

فواد عبداللہی  
شادابی فعالیت حزبی ما ربط  
مستقیمی به پویایی و بالندگی  
گرایش و خط ایدئولوژیک و  
نظری عمومی ما دارد. حزب  
سیاسی جدا از یک بستر نظری  
قابل تصور نیست. کسی نمیتواند  
به یک گرایش میرنده تعلق  
داشته باشد و در عین حال  
حزبی قوی بسازد. متقابلاً وجود  
گرایشات فکری و سیاسی  
قدرتمند بدون وجود بازتاب  
عملی آن در شکل احزاب  
سیاسی قابل تصور نیست. به  
این ترتیب باید این دو سطح را  
از هم تفکیک کرد: وظایف و  
اولویت های حزب حکمتیست  
بطور اخص و اولویت های  
جنبش کمونیستی کارگری  
بعنوان یک جریان رو به اعتلا.

صفحه ۶

شماره حساب های علنی حزب در انگلیس و سوئد

صفحه ۴

توضیح: متأسفانه در شماره قبل نشریه کنگره به دلیل اشتباه در صفحه بندی چند سطر آخر این سند حذف شده است. اینجا متن کامل سند را مجدداً درج میکنیم. با پوزش از نویسندگان و حمایت کنندگان از این قطعنامه

اولویتهای حزب حکمتیست

تعیین تکلیف تحولات سیاسی  
برای سرنگونی جمهوری  
اسلامی به نفع طبقه کارگر و  
انقلاب سوسیالیستی است.

در این راستا کنگره چهارم حزب  
اولویتهای زیر را در دستور  
حزب میگذارد:

۱- حضور فعال و رادیکال در  
جدالهای اصلی سیاسی -  
اجتماعی ایران، جهت تأمین یک  
پرچم کارگری- کمونیستی روشن  
بین و دخالتگر.

۲- تقابل با جنبش سبز و افشا  
پرچم ارتجاعی و بورژوازی این  
جنبش در همه عرصه های نبرد.

۳- نقد و افشای کمونیسم  
بورژوازی در همه عرصه و  
بویژه سیاستهای ایندوره این

صفحه ۲

برابری طلبی و درغیاب یک  
قطب کمونیستی - کارگری  
قدرتمند، بخش مهمی از مردم  
معترض را به امید ایجاد بهبودی  
در زندگی و گشایشی در فضای  
سیاسی ایران برای یک دوره به  
دنیال خود کشید و عقب گردی  
جدی به جامعه تحمیل کرد.

حزب حکمتیست در این دوره  
پرچم اعتراض طبقه کارگر به  
بردگی مزدی، به خفقان سیاسی،  
تبعیض، و دفاع از انسانیت را به  
عنوان تنها حزب کمونیستی  
نماینده کرد. اما این پرچم  
سیاسی متفاوت نتوانست در قامت  
یک صف محکم و قدرتمند در  
مقیاس اجتماعی در مقابل دو  
جناح سبز و سپاه بورژوازی  
ظاهرشود. پر کردن این خلاء و  
تلاش برای به میدان کشیدن  
جنبش متمایز طبقه کارگر زیر  
پرچم و افق کمونیستی تنها راه

ثریا شهابی، امان کفا، رحمان  
حسین زاده، آذر مدرسی، اسد  
گلچینی، بهرام مدرسی، حسین  
مرادیگی، سلام زیجی، عبدالله  
دارابی، جمال کمانگر و خالد  
حاج محمدی

این قطعنامه حمایت لازم را دارد.

مقدمه

تحولات یک سال و نیم گذشته،  
انتخابات رئیس جمهوری و  
تحولات متعاقب آن، فضای  
سیاسی ایران را دستخوش  
تغییرات جدی کرده است. جنبش  
سبز به عنوان نماینده بخشی از  
بورژوازی ایران، بخش اعظم  
اپوزیسیون ایران را تحت پرچم  
خود بسیج کرد. جدال دو جناح از  
بورژوازی، بر متن یک دوره  
سرکوب جنبش آزادیخواهی و

قطعنامه درباره اوضاع سیاسی ایران

محمد فاتحی

این قطعنامه به حمایت نیاز دارد

تحولات و کشمکشهای جاری در  
ایران نه روند سرنگونی نظام  
سیاسی حاکم که حاصل  
اصطکاک و تقابل دو جناح آن در  
مسیر تبدیل به یک حکومت  
متعارف بورژوازی است.  
سرنگونی این نظام نه محصول  
رادیکالیزه شدن این  
"اعتراضات"، که در گرو عروج  
جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر  
به عنوان نیروی مدعی قدرت  
است. درک روشن تحولات  
جاری شرط اول اتخاذ یک  
سیاست کمونیستی در شرایط  
امروز است؛

تغییرات در ساختار سیاسی

در سایه شکست آمریکا در عراق  
وبه تبع آن در منطقه، یک  
حکومت ناسیونالیست عظمت  
طلب ایرانی با قدرت منطقه ای  
عروج کرده است. خارج از این  
مسئله، طی سال های گذشته  
حکومت اسلامی بیش از همیشه  
از یک رژیم در خانواده اسلام  
سیاسی به یک حکومت ناسیونال  
اسلامی شیفت کرده است. تاریخ  
شروع این پروسه تاریخ شروع  
لیبرالیسم اقتصادی از دوران  
ریاست جمهوری رفسنجانی  
است. در این مسیر، فضای  
سیاسی لازم برای حضور فعال  
گرایشات متعدد بورژوازی در  
درون جناح های حاکم تأمین شده  
است. با این همه، تبدیل حکومت  
بحرانی فعلی به یک حکومت

نوع اول یا پروغرب به دلایل  
متعدد از حمایت بخش وسیع تری

بقیه اولویت ها

جنبش، بعنوان سیاستهای ضد کارگری و ارتجاعی.

۴- تامین یک پرچم پیگیر کمونیستی در مبارزات جاری طبقه کارگر برای ایجاد بهبود در زندگی این طبقه و مبارزه برای آزادیهای سیاسی، رهایی زن و خلاصی فرهنگی.

۵- تمرکز جدی بر مراکز مهم کارگری و پروتاریای صنعتی ایران، تلاش برای تشکل یابی طبقه کارگر و دفاع از تشکلهای موجود این طبقه و رهبران و فعالین آنها.

۶- تلاش برای ایجاد رابطه ای وسیع و مستحکم با شبکه های رهبران عملی و آژیتاتورهای طبقه کارگر، و مجهز کردن آنها به افق و سیاست کمونیستی.

۷- تقویت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاهها و مراکز آموزشی،

بعنوان یکی از سنگرهای چپ و آزادیخواهی، و عقب راندن ارتجاع از این سنگر.

۸- تقابل با تلاش های جمهوری اسلامی برای تروریزه کردن، پلیسی و ناامن کردن فضای مبارزه سیاسی در ایران و خارج کشور.

۹- حفظ فضای رادیکال و میلیتانتیت در خارج کشور علیه جمهوری اسلامی، تبدیل حزب به داغترین کانون دفاع از طبقه کارگر ایران در خارج کشور، تقویت همبستگی بین المللی کارگری و ایجاد ارتباط با پیشروترین سازمانها و فعالین کارگری در محل.

۱۰- کمونیسم در کردستان تاریخا نیروئی قدرتمند، از نظر اجتماعی دینفوذ، و محبوب بوده است. تقویت این موقعیت و استفاده از آن به عنوان مناسب ترین شرایط در تقویت موقعیت کمونیسم و طبقه کارگر در کل جامعه ایران. به این منظور مبارزه همه

جانبه علیه جمهوری اسلامی و برافراشته نگاه داشتن پرچم کمونیسم در فضای سیاسی کردستان در مقابل بورژوازی و ناسیونالیسم کرد.

۱۱- پیگیری ایجاد گارد آزادی بعنوان یک رکن مهم هر گونه شانسی دخالت تعیین کننده در تحولات سیاسی ایران، حفظ چهره مسلح در کردستان و تضمین حضور رهبران کمونیست در میان مردم.

۱۲- سازمان دادن یک تعرض تنوریک و سیاسی مارکسیستی در مقابل باورهای موجود بورژوائی.

۱۳- پیش شرط متحقق کردن اولویتهای این دوره حزب، بیش از هر چیز تامین یک رهبری سیاسی، منسجم، مارکسیستی با اتکا به یک ماشین حزبی کارا، مدرن، با دیسیپلین، رسمی و متکی به مصوبات حزبی است.

قطعه نامه ...

از سرمایه داران و طبقه متوسط بهر مند است؛ اولاً پایه های حکومتی مد نظر آن اقشار و طیف های وسیع تری از طبقه حاکمه و نیروهای سیاسی آن را در برمیگیرد. ثانیاً درجه ای از گشایش فرهنگی در برنامه دارد که زمینه جلب بخش هایی از جامعه که مشکل شان تنها فرهنگی است را فراهم میکند. یک علت پیوستن بخش عمده جنبش خلاصی فرهنگی به این جناح، در دوره یکسال و اند گذشته، از همین سیاست گشایش فرهنگی آن نشأت میگیرد. نوع دوم، یا به زبان دیگر شرق گرا، از حمایت بلوک سپاه و نیروهای نظامی بهر مند است. این جناح بقای آلترناتیو خود را در اتحاد ارگانیک رهبری نظام (فعال و لایت فقیه) و بلوک سپاه و نیروهای نظامی- اسلامی صاحب قدرت اقتصادی مملکت به علاوه تکیه بیشتر بر فرهنگ و ارزشهای اسلامی در سرکوب و تحمیق می بیند.

### مسئله سرنگونی نظام

در مقابل احتمال حکومت یکدست جناح پروغرب (سبز)، طبقه کارگر تنها نیروی قادر به سازماندهی یک جنبش سرنگونی طلبانه است. برای سرنگونی حکومت جناح سپاه اما، بخش های قابل توجهی از نیروها و مردمان خواهان رهایی فرهنگی میتوانند طبقه کارگر را همراهی کنند. از این زاویه دولت جناح سبز از ظرفیت های سیاسی اجتماعی به مراتب بیشتری برای شریک کردن لایه های وسیع تر اقشار بالای جامعه در قدرت بهره مند و از این نظر از اهرم های سیاسی اجتماعی قویتری برای حفظ نظام برخوردار است. دولت جناح حاکم فعلی به دلیل تنگ کردن دایره شرکت اطرافیان در قدرت و اتکای بیشتر به فرهنگ و ارزش های اسلامی در سرکوب و اعمال خشونت، تنفر و اعتراض مداوم و عمومی علیه خود را دامن میزند. از نظر استراتژی بقا، این بخش حکومت یک جناح بحران آفرین و مشکل ساز برای نظام است. با اینهمه، در غیبت یک بلوک مستقل سوسیالیستی، اعتراض و تنفر علیه جناح شرقگرا به تقویت جناح غربگرای حکومت فعلی

### اپوزیسیون چپ بورژوائی

عنوان فوق اشاره به تمام گروه و سازمان های سیاسی چپ ایران منهای حزب حکمیت است که در دوره گذشته مستقیم و غیر مستقیم حامی ارتجاع سبز شدند. آرایش سیاسی اخیر اینها هم تابعی از تغییرات در جنبش های مادر این طیف (راست بورژوائی) است. علت اصلی حمایت و شرکت نیروهای چپ بورژوائی (غیرکارگری) در جنبش سبز، عیناً مانند جناح راست خود، نه در علاقه آنها به یکی از جناح های حکومت اسلامی، که در عشق شان به اهداف سیاسی مد نظر جنبش سبز نهفته است. جنبش غرب گرای سبز، از نظر اینها، حرکتی در جهت کنار زدن جناح اسلام گرا و تبدیل رژیم سیاسی فعلی به حاکمیتی با معیارهای سکولار و دموکراسی غربی، البته به تعبیر چپ "جهان سومی"، است. سرنگونی طلبی نیروهای این سنت سیاسی ناشی از خصومت شان با استبداد و اسلام گرایی، و نه با ماهیت بورژوائی این حکومت است. به همین دلیل هر تحرک نسبتاً غیر اسلامی در جامعه، مانند تمام سال های قبل، مقبول و مورد حمایت اینها واقع میشود. تقلا مستقیم و غیرمستقیم اینها در خلاصه کردن حکومت در یک جناح و پافشاری اینها بر انتساب آن به اسلام سیاسی، ناشی از همین ضداسلامی گری صرف اینهاست.

### آینده جنبش های سیاسی

تقابل سه جنبش سیاسی اصلی آینده جامعه ایران را رقم میزند.

### ناسیونالیسم پرو غرب به رهبری سبز؛

ناسیونالیسم پرو غرب ایران که در سال 57 قدرت را در یک شرایط بحرانی تسلیم جناح شرق گرای طبقه خود کرد، امروز در یک شرایط بحرانی دیگر، برای پس گرفتن قدرت خیز برداشته است. پاشنه آشیل این جناح در حرکت به سوی قدرت، مخالفت آن با امر سرنگونی انقلابی نظام است. از این زاویه علیرغم توهم بخشی از جامعه به این بلوک، تجارب اعتراضات همین دوره، خیلی

بورژوازی می انجامد؛ چیزی که یک سال و اند گذشته اتفاق افتاد. لذا امر سرنگونی کلیت نظام، در هر حالت، مشروط به حضور قدرتمند صف مستقل سوسیالیستی کارگری به عنوان نیروی مدعی قدرت است. با همه اینها اولویت اول کارگران کمونیست در کار برای سرنگونی این نظام، سازماندهی یک جنبش سیاسی اجتماعی مستقل برای بهبود شرایط زندگی همین امروز و کسب آمادگی برای تسخیر قدرت در روز قیام است.

### اپوزیسیون راست بورژوائی

در اپوزیسیون راست بورژوائی ایران هم، دقیقاً مانند رژیم اسلامی، به موازات تغییرات جهانی و منطقه ای در سالهای گذشته، تحولات چشمگیری رخ داده است؛ اوضاع جدید، اپوزیسیون راست بورژوائی را به چند دلیل به حکومت ناسیونال اسلامی امروز نزدیک کرده است؛ از طرفی عظمت طلبی ناسیونالیستی در دست ناسیونال اسلامی های درون حکومت افتاده است. از طرف دیگر تغییر سیاست رژیم پنج آمریکا به سیاست دیالوگ و سازش با جناح های حکومت، فضای لازم برای کنار آمدن جناح های حکومت اسلامی با آمریکا و غرب را ایجاد کرده است. تولد سیاسی جناح سبز محصول همین اوضاع و شرایط سیاسی است. این تغییرات همه طیف های اپوزیسیون راست (بورژوائی) در ایران را به سیاست تعقیب جدی منافع خود در درون جناح های حاکم حکومتی کشانده است. این طیف اپوزیسیون، قبلاً یک بار دیگر، در دوران خاتمی، به همین سیاست و موقعیت سیاسی شیفته کرده بود. هدف واضح تمام جناح های ناسیونالیست، فدرالیست و لیبرال در جنبش سبز به رهبری یک جناح حکومتی، ایجاد یک دولت مقتدر سرمایه داری با شرکت لایه های وسیع بورژوازی، متکی به کار ارزان و کارگر خاموش زیر یک استبداد پلیسی-نظامی است. برگ برنده اپوزیسیون بورژوائی در مقابل جناح حاکم رقیب، اتکای آن به قشر وسیع تری از طبقه متوسط و احزاب سیاسی آن در عرصه حاکمیت، و به فرهنگ کمتر اسلامی، به نسبت جناح مقابل، در امر سرکوب و تحمیق جامعه است.

فضای جامعه قاطعانه می‌ایست. انقلاب علیه وضع موجود یک ضرورت روز است.

در اوضاع کنونی که این طبقه مورد وحشیانه‌ترین تعرضات قرار گرفته است، در دوره ای که بحران سرمایه داری بیشترین فشار اقتصادی علیه طبقه کارگر تولید کرده است، در حالی که جامعه ایران در یکی از بحرانی‌ترین دوران‌های خود به سر می‌برد، در دوره ای که تمام نیروهای چپ و راست بورژوا در یک اجماع تاریخی کمر به ایجاد تغییراتی در حکومت اسلامی بسته و در یک سمفونی گوش خراش همه ما صف آزادی و برابری را به پیوستن به این مسیر ارتجاعی فرامیخوانند، طبقه کارگر میتواند و باید به عنوان قدرت رهایی بخش انسان پا به میدان گذاشته و جامعه را به نفع آزادی نهایی تغییر دهد. شرط اول در این مسیر خروج از پراکندگی فعلی در دل مصاف‌های بیشمار امروز برای یک زندگی بهتر، و عروج جنبش سوسیالیستی کارگر به عنوان نیروی مدعی قدرت است. زندگی غیرقابل تحمل در دل جهنم امروز، طبقه کارگر و جنبش او را با صدای رسا به انقلاب علیه وضع موجود فرامیخواند.

## زنده باد سوسیالیسم

نفع کارگر و توده ستمدیدگان این جامعه را در دل متحول‌ترین دوره‌های سیاسی ایران اتخاذ کرده است. امروز در مقابل اردوی چپ پیوسته به جنبش سبز، حزب حکمتیست تنها نقطه امید کارگر کمونیست برای سازماندهی تعرض به جامعه بورژوازی است. قدرت اجتماعی و بالقوه این جنبش اما در عمق جامعه و در صف میلیونی کارگران صنعتی است. شبکه کارگران کمونیست علیرغم پراکندگی اما از وجود شخصیت‌های شناخته شده سیاسی بهرمنند است.

در کنار این داده‌ها، کمونیسم یک موجودیت تاریخی محبوب در سیاست ایران است. امیدی که جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی در چند سال قبل در قلب جامعه کاشت، صرفنظر از وزن سیاسی اجتماعی، نشانه ای از همین محبوبیت در کمپ چپ جامعه است. اگر پیوستن بخش عمده چپ سنتی به جنبش سبز در دوره ای تمام چپ و کمونیسم را به نفع ارتجاع سبز تضعیف نمود، امروز با افت سبز یک بار دیگر زمینه برای تصرف اذهان توسط کمونیسم و چپ‌کاری فراهم شده است. استفاده از این فرصت در سازماندهی کارگران کمونیست، طرح رسمی و اولویت اول حزب حکمتیست است.

حزب حکمتیست برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برای برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب ما خواهان سرنگونی انقلابی و فوری حکومت ناسیونال اسلامی است و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون آن برای حفظ این حکومت در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده قاطعانه مقابله میکند. حزب حکمتیست در عین حال از هر گشایش سیاسی و فرهنگی که با فشار مردم به حکومت اسلامی تحمیل میشود فعالانه دفاع میکند و در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، و پلیسی‌تر کردن

عشق نیروهای چپ بورژوازی به دمکراسی مد نظرشان، ایجاد یک دولت کاپیتالیستی دمکراتیک در ایران یک غیر ممکن کامل است. به همین دلیل ساده، این سنت در کشمکش‌های سیاسی امروز ایران بی‌آینده، و محکوم به حرکت در سایه راست جنبش خود به عنوان بخش میلیتانت و پیگیر آن است.

### ناسیونالیسم شرق‌گرا

اتکای این جنبش به اسلام در فشار فرهنگی و اعمال خشونت قرون وسطایی، تنفر و اعتراض مداوم علیه خود دامن میزند. این جناح با سکولاریسم ریشه دار در جامعه ایران خصومت پایه ای دارد. با وجود فقر و فلاکت اقتصادی تحمیل شده به اکثریت و سرکوب مداوم ابتدایی‌ترین حقوق فردی و مدنی آحاد جامعه، هیچ نقطه سازشی بین اینها و اکثریت عظیم جامعه متصور نیست. این جناح در سالهای گذشته، برای کمک به تحکیم پایه‌های خود در جامعه، دو تغییر در بافت خود ایجاد کرده است؛ کوتاه کردن دست آخوند و فتوا از حاکمیت به نفع تقویت قانون در خدمت تقدس مالکیت خصوصی و بالا بردن حرمت سرمایه داران از یک طرف، و افزایش آلیاژ ناسیونالیسم ایرانی در سیاست و فرهنگ به عنوان ابزار دیگری برای تحمیل توده‌ها. این دو تغییر، به دلیل ادامه فشار فرهنگی، خشونت وحشیانه و فلاکت اقتصادی، ناتوان از پائین آوردن سطح تنفر و اعتراض اجتماعی نسبت به حاکمیت اینها بوده است. به همین دلیل در رابطه این جناح و مردم، انقلاب و سرنگونی اولین گزینه‌های دم دست در فرهنگ جامعه اند.

### جنبش کمونیستی کارگری

در بعد سیاسی این جنبش حزب حکمتیست را به نمایندگی خود دارد. حزب حکمتیست محصول نبرد در عرصه‌های متفاوت در مقابل جمهوری اسلامی است. تجربه سال‌های گذشته در سیاست ایران هم ثابت نموده که این حزب دقیق‌ترین سیاست به

ها را به اشتباه خود در همراهی اینها رسانده است. رضایت اینها به سرنگونی، البته فقط یک نوع سرنگونی، تنها در شرایطی است، که قدرت سیاسی از دست رقیب، مستقیماً و بدون لطمه‌ای به پایه‌های نظام تحویل گرفته شود. وحشت اینها در این مسیر، حضور کمونیسم و کارگر متحزب است. ضعف دیگر اینها در نیاز سیاسی به فرهنگ و ارزشهای اسلامی در جامعه است. ریشه این نیاز نه عقاید آسمانی که منافع زمینی اینها و نقش مذهب در حفظ سرمایه در کشوری با ساختار سیاسی اقتصادی امروز ایران گره خورده است. این ظرفیت‌ها در جنبش سبز، کمک مهمی به جناح سیاه بورژوازی در حفظ قدرت هم هست. حضور این جنبش در کنار جناح رقیب، در حکومت، نوعی ضمانت سیاسی برای بقای نظام هم‌تامین کرده است. خط قرمز مشترک این دو رقیب بقای نظام حاکم است.

چپ بورژوازی که به جز حزب حکمتیست همه جریان‌های چپ رادیکال را در برمیگیرد، به دنبال جناح راست خود در اپوزیسیون، مستقیم و غیر مستقیم در جنبش سبز شرکت دارد. به این معنی، بعد از قیام 57، برای اولین بار، تمام جناح‌های راست و چپ اپوزیسیون بورژوازی ایران در یک جنبش سیاسی سرنوشت خود را به یک حرکت و تحول واحد سیاسی در این کشور گره زده‌اند. در جریان انقلاب 57، به تبع اوضاع و آرایش نیروهای سیاسی آن دوره، این سرنوشت به حرکت ناسیونالیسم اسلامی یا شرق‌گرا گره زده شد. در این دوره اما بورژوازی پروغرب رهبری این بلوک رنگارنگ در مقابل جناح اسلام‌گرای بورژوازی را بعهده دارد.

جناح چپ بورژوازی را، امید به دمکراسی و سکولاریسم، سراغ سبز فرستاده است. از آنجا که استبداد سیاسی در چنین کشوری از ضروریات اقتصادی برای تولید فوق سود امپریالیستی است، علیرغم احترام ویژه به

# در کنگره چهارم حزب حکمتیست شرکت کنید

بقیه قرار

از آنجا که مبانی اساسی و متد لوژی و جهت سیاسی این قطعنامه بر اساس مارکسیسم " کمونیسم پراتیک " میباشد. اما بدلیل نوعی به فراموشی سپردن شدن این جهت و متدلوژی تاکتونی در جهت اجرای سیاستهای ناظر کمونیستی و طبقاتی بر این قطعنامه و به دلیل ضرورت واقعی بودن و منطبق بودن و عملی بودن اساس این سیاست در مبارزات جاری طبقه کارگر. ما مجدداً آنرا به عنوان سیاست رسمی حزب در دستور کنگره چهارم میگذاریم.

متن قرار

کنگره چهارم حزب حکمتیست بعنوان سیاستی عملی مجدداً قطعنامه را مورد تصویب قرار میدهد.

ضمیمه

**قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر**

**شورا، مجمع عمومی، سندیکا**

باتوجه به اینکه:

۱- تشکلهای توده ای کارگری، در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران است و پیشروی و پیروزی در این مبارزه بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر از طریق آنها، مقدور نیست؛

۲- طبقه کارگر ایران تاریخاً از تشکلهای توده ای و علنی ادامه کار محروم بوده است و فقدان این تشکلهای هم امروز یک ضعف اساسی مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی است. پرولتاریای ایران برای دخالت موثر در تحولات سیاسی- اجتماعی آتی و ایفای نقش تاریخی خود باید بر این نقطه ضعف فائق آید؛

۳- یک شرط اساسی برای پیشروی، تعمیق و پیروزی مبارزات جاری کارگری، که در سالهای اخیر در ابعاد بی سابقه و به نحو بیوقفه ای ادامه داشته است، برپایی تشکلهای توده ای کارگری است؛

۴- تمایل به سازمانیابی و متشکل شدن، یک خواست و گرایش فراگیر در میان توده های کارگر است و مبارزه برای ایجاد این تشکلهای خود یک وجه دائمی جنبش کارگری در دوره اخیر

بوده است، جمهوری اسلامی مداوماً این مبارزات را سرکوب کرده و سازمانهای توده ای مستقل کارگران را که در جریان انقلاب و در سالهای پس از آن شکل گرفتند، مورد هجوم قرار داده و متلاشی کرده است؛

۵- بر متن این شرایط، جمهوری اسلامی تلاش میکند تا با تبلیغ و ایجاد سازمانهای زرد و ارتجاعی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی، مطالبات کارگران را تحریف کرده و جنبش کارگری را محدود و مهار کند؛

۶- فشار رژیم اسلامی به جنبش کارگری، موجب تقویت گرایشهای محافظه کارانه و سندیکالیستی در برخی محافل کارگری و بویژه سازمانهای چپ خلقی شده است. علاوه بر این طرح ها و ایده های ذهنی و غیره عملی نظیر "سندیکای مخفی"، که نه فقط مقدرات و نیازهای واقعی جنبش کارگری را ندیده میگیرد، بلکه اصولاً از پاسخگوئی به نیاز کارگران ایران به تشکلهای توده ای و علنی شانه خالی مینماید، از جانب برخی گروه ها طرح شده است. این ایده ها، هرچند با استقبال وسیعی در میان کارگران روبرو نشده است، اما به هر اندازه که نفوذ و اشاعه پیدا کند، باعث آشفته فکری کارگران شده و به مانعی در راه سازمانیابی توده ای طبقه کارگر تبدیل خواهد شد؛

با توجه به نکات فوق این وظیفه مبرم در برابر کمونیستها قرار میگیرد که نقطه نظرات و طرح مشخص خود را برای سازماندهی توده ای کارگران بروشنی اعلام دارند.

**الف: رئوس سیاست ما**

سیاست کمونیستها در امر سازماندهی توده ای کارگران باید بر عوامل زیر مبتنی باشد:

۱- مبارزه اقتصادی کارگران در ایران، عموماً خصلتی فراصنعی و سراسری دارد. در پایه ای ترین سطح، ادغام سرمایه ها در رشته های مختلف تولید، مالکیت دولتی بر بخش عمده سرمایه های صنعتی، نقش اقتصادی دولت و سیاستهای دولتی در تنظیم رابطه عمومی بین کار و سرمایه، و نزدیکی ارگانیک و بهم پیوستگی بیش از پیش مطالبات و خواستههای بخشهای مختلف طبقه کارگر موجب شده است تا مطالبات و مبارزات کارگران در هر کارخانه، خصلت و جایگاهی عمومی و فرا صنفی داشته باشد.

۲- در این شرایط سازمانهای کارگری برای پیشبرد مبارزات اقتصادی میباید بر تشکلهای فابریکی-منطقه ای، و نه صنفی و رسته ای کارگران، مبتنی باشد.

۳- سازمان توده ای کارگری باید دخالت هرچه وسیعتر و فعالتر توده های کارگر در مبارزه را تامین کند و بر دموکراسی اعمال اراده مستقیم کارگران مبتنی باشد. در غیر این صورت، شکل گرفتن بوروکراسی و مراجع تصمیم گیری جدا از توده های کارگر در تشکلهای کارگری اجتناب ناپذیر بوده و خود به مانعی بر سر راه پیشرفت مبارزات کارگران تبدیل خواهد شد.

۴- جنبش کارگری ایران، تحت شرایط اختناق و رویارویی ناگزیر مبارزه و اعتصابات کارگری با دولت، به مبارزه سیاسی سوق پیدا میکند و برای هیچ دوره طولانی در سطح اقتصادی و در چهارچوب قوانین

و نظام موجود باقی نمیماند. لذا تشکلهای توده ای طبقه باید بتوانند قابلیت بسیج توده ای کارگران در هر شرایطی را داشته باشند و خود را به مبارزه در چهارچوب قانون و قانونیت بورژوازی محدود نکنند.

۵- تجربه جنبش کارگری در دوره اخیر بر واقعیات فوق تاکید کرده و شکل سازمانی متناسب با این واقعیات را عرضه داشته است. این شکل سازمانی تشکلهای شورائی طبقه کارگر است. در دوره انقلاب بخش وسیعی از فعالین و پیشروان جنبش کارگری به جنبش شورائی روی آوردند و در بسیاری از واحدهای تولیدی شوراهای کارخانه و در برخی مناطق، شوراهای منطقه ای کارگران تشکیل شد. این جنبش، با سرکوب ۳۰ خرداد و اختناق پس از آن، در ابعاد محدودتری در شکل جنبش مجمع عمومی ادامه یافت و هم اینک نیز خواست ایجاد شوراهای یک گرایش وسیع و عمومی در میان توده های کارگر است.

با توجه به نکات فوق، ما اعلام میداریم که:

۱- شعار اصلی و سیاست عمومی حزب کمونیست کارگری حکمتیست در زمینه سازماندهی توده ای و سازماندهی توده ای کارگران، تبلیغ و ایجاد شوراهای کارگری و سازماندهی شورائی طبقه کارگر است.

۲- ما سازمان شورائی طبقه کارگر را مرکز ثقل و محور تشکلهای توده ای طبقه و نقطه اتکاء سایر تشکلهای توده ای کارگری میدانیم و برای پیوند دادن دیگر تشکلهای توده ای

## شماره حساب های علنی حزب در انگلیس و سوئد

سوئد:

دارنده حساب

شماره حساب:

I. F.R

148 18 41-3

SEKIBAN: SE48 9500 0099 6042 1481 8413

BIC-kod (SWIFT-adress): NDEASESS

BOX 7054 C/O KFKS

KISTA16407

انگلیس:

دارنده حساب

شماره حساب

F. Abdolahi

93852226

Sort Code: 090126

Bank: Santander

BIC: ABBYGB2LXXX

IBAN: GB46ABBY09012693852226

بقیه قرار

آن هستند.

دوره اخیر کارگران برای پیشبرد مبارزات خود و در برابر سازمانهای زرد عملا اجتماعات اعتراضی خود را، غالباً حتی تحت نام مجمع عمومی، بر پا داشته اند.

### د: درباره اتحادیه

نظر به عوامل متعدد نظیر محدودیتهای تاریخی و عملی اتحادیه‌ها در ایجاد اتحاد وسیع طبقاتی و رهبری مبارزه کارگری، پیوند تاریخی جنبش اتحادیه‌ای با سیاست سوسیال دموکراتیک، گرایش اتحادیه‌ها به دور شدن از دموکراسی مستقیم و شکل‌گیری یک بوروکراسی مافوق کارگران در آنها و بالاخره با توجه به فقدان زمینه‌های مادی برای تشکیل آنها در شرایط کنونی در ایران، حزب حکمتیست سیاست تشکیل اتحادیه‌ها را در مرکز ثقل مبارزه خود برای ایجاد تشکیل‌های توده‌ای قرار نمیدهد. سیاست عمومی حزب ایجاد شوراهای کارگری است. در عین حال اعلام میکنیم که:

۱- آزادی بی قید و شرط تشکیل اتحادیه‌های کارگری، جزئی از حق مسلم کارگران برای ایجاد هر نوع تشکل صنفی و سیاسی است و ما قاطعانه از این حق دفاع میکنیم.

۲- از تلاشهای کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت میکنیم و به آن یاری میرسانیم.

۳- در اتحادیه‌های کارگری مستقل شرکت میکنیم، برای تقویت رهبری کارگران کمونیست در آنها می‌کوشیم و در درون هر اتحادیه خط کمونیستی را متحد میکنیم.

۴- برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیه‌ها به یک شکل ساختمانی غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطح محلی به مجامع عمومی کارگران تلاش میکنیم.

۵- به درجه‌ای که سیاست ما برای ایجاد شوراهای کارگری و بسط جنبش مجمع عمومی بعنوان نخستین گام آن با تلاشهای محافل کارگری و جریانات مبارز طرفدار اتحادیه همسویی داشته باشد (نظیر ایجاد مجامع عمومی که مورد تأیید برخی هواداران تشکیل اتحادیه‌ها قرار دارد)، آماده اتحاد عمل با این محافل و جریانات هستیم.

۲- هر طرح سازماندهی توده‌ای - علنی کارگران، در صورتی قابلیت فراگیری توده‌ای و تحقق خواهد داشت که هم امروز و در هر قدم از سیر پیشرفت جنبش، به ضروریات و نیازهای مبارزه جاری طبقه پاسخگو باشد. جنبش مجمع عمومی، در شکل موجود خود، این ظرفیت را از خود نشان داده است.

۳- شرایط اجتماعی-سیاسی ایران و مختصات جنبش کارگری ایجاب میکند که هر نوع سازماندهی توده‌ای طبقه کارگر اولاً از سطح محلی آغاز شود، ثانیاً به رهبران محلی جنبش کارگری متکی باشد و ثالثاً از هم اکنون تشکلی توده‌ای باشد. مجمع عمومی این خصوصیات و ملزومات را به خوبی برآورده و متحقق میکند.

حزب حکمتیست و کارگران کمونیست و مبارزه بطور کلی باید بر مبنای این زمینه مساعد و با اتکاء به تمایلات و گرایشات موجود در میان کارگران برای اتکاء به مجامع عمومی در مبارزات جاری، جنبش مجمع عمومی را به عنوان یک حرکت آگاهانه، هدفمند و وسیع در میان کارگران سازمان و گسترش دهند. کارگران کمونیست و فعالین جنبش مجمع عمومی وظیفه دارند:

۱- ایده کارآیی مجمع عمومی به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و رکن شوراهای کارگری، و نیز افق وسیعتر جنبش مجمع عمومی را در میان کارگران تبلیغ و تثبیت نمایند و کارگران را به تبدیل شدن به فعالین جنبش مجمع عمومی فراخوان دهند.

۲- در هر واحد تولیدی کارگران را به تشکیل مجامع عمومی فراخوانند.

۳- برای منظم کردن تشکیل مجامع عمومی (مستقل از وجود اعتراض و اعتصاب در هر واحد) مستمراً فعالیت کنند.

۴- مجامع عمومی را به عنوان سخنگوی واقعی کارگران به رسمیت بشناسانند.

۵- برای مرتبط کردن مستمر و سازمان یافته مجامع عمومی با یکدیگر مداوماً تلاش نمایند.

۶- مجامع عمومی را هر چه بیشتر در قلمرو قراردادهای

در سطح بالاتر از فابریکها، شوراهای نمایندگان شوراهای کارخانه تشکیل میشود (و بهمین ترتیب در سطوح بالاتر)

۵- سیستم شورایی وجود اتحادیه‌ها و اتحاد آنها در این شوراها را منتفی نمیکند. اصنافی که اتحادیه شکل مناسب تشکیل آنهاست میتوانند در سطوح معینی نمایندگان خود را به شوراهای نمایندگی بفرستند و باین ترتیب وابستگی خود را به سازمان سراسری شوراها اعلام کنند.

۶- سیستم شورایی این امکان را دارد که طبقه کارگر و زحمتکشان را در جهات دیگر و در هیات‌های اجتماعی دیگر به خود متصل نگاه دارد. شوراهای روستائی و یا شوراهای سربازان میتوانند در سطوح معینی به این جنبش متصل شوند. جنبش تعاونی‌های کارگری و غیره نیز میتواند جای خود را در وابستگی به شبکه شوراها بیابد.

### ج: جنبش مجمع عمومی

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورایی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده‌ای کارگری، حزب حکمتیست خواهان شکل‌گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از این طریق ایجاد هر چه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه‌های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد. واقعیات موجود جنبش کارگری ایران صحت و حقانیت این سیاست را تأکید میکند.

۱- واقعیات دوره اخیر مبارزات کارگری به روشنی نشان میدهد که هم امروز ایده و خواست مجمع عمومی در جنبش کارگری تثبیت شده و مجمع عمومی پدیده شناخته شده‌ای در میان توده‌های کارگر است. در

کارگری بر محور سازمان شورایی طبقه کارگر مبارزه میکنیم.

۳- سازمان شورایی، پیشروترین شکل سازمانیابی توده‌ای کارگران و ناظر بر سازمانیابی بخش متمرکز و پیشرو طبقه کارگر در صنایع و واحدهای بزرگ کار است. از اینرو ما برای برپائی یک جنبش فراگیر و سراسری شورایی طبقه کارگر مبارزه میکنیم. با این وجود در کارگاههای کوچک و کلا در آن رشته‌هایی که بخاطر موقعیت اقتصادی شان شمار و تمرکز کارگران در واحدهای کار محدود است و اتحاد حرفه‌ای، در مقایسه با اتحاد محل کار، کارگران را در موقعیت قوی تری در برابر سرمایه داران قرار میدهد، کارگران را به ایجاد اتحادیه‌های حرفه‌ای فرا میخوانیم و برای ایجاد این اتحادیه‌ها مبارزه میکنیم. ما تلاش خواهیم کرد تا سازمانهای اتحادیه‌ای در این رشته‌ها در ارتباط و پیوستگی نزدیک با جنبش سراسری شورایی طبقه کارگر قرار بگیرند.

### ب: خصوصیات شوراهای کارگری

خصوصیات اصلی شوراها و چشم انداز سازمانیابی شورایی کارگران، که باید در تبلیغات ما مورد نظر قرار بگیرد، عبارتست از:

۱- شوراها از پائین شکل میگیرند و خصلت اساسی آنها دموکراتیسم و اعمال اراده مستقیم توده‌های کارگراست.

۲- شورا مجمع عمومی منظم و سازمانیافته کارگراست. در هر واحد تولیدی، همه کارگران عضو شورای آن واحد هستند و مجمع عمومی کارگران بدنه و ارگان تصمیم گیرنده شورا است. مجمع عمومی برای اجرای تصمیمات خود افرادی را (بعنوان کمیته اجرایی و یا تحت هر نام دیگر) انتخاب میکند. این افراد در هر جلسه مجمع عمومی، قابل عزل و نصب مجدد هستند.

۳- در کارخانه‌های بزرگ که تشکیل مجمع عمومی همه کارگران عملی نیست، شورای کارخانه از نمایندگان چندین مجمع عمومی، مثلاً مجمع عمومی قسمت‌ها، تشکیل میشود.

۴- سازمان سراسری شوراها یک سازمان هرمی است که شوراهای فابریکی واحدهای پایه



# زنده باد کمونیسم

با این مقدمه کوتاه جهت‌گیری کجای تاریخ معاصر خویش کنگره و مباحثات آن تا چه اندازه به پراتیک مادی تبدیل خواهد شد و بر دنیای خارج از حزب تاثیر خواهد گذاشت، کاملاً بستگی به فعالیت عملی کمونیست‌هایی دارد که در جهت تحقق اهداف این کنگره تلاش میکنند. در این راستا معطوف شدن یک حزب کمونیستی به دیدن و سنجیدن اندازه واقعی موانع انقلاب در کارگری مهم است. سوالات متعددی مطرح است که باید پاسخ آنها را از کنگره دریافت کرد. از جمله اوضاع طبقه کارگر و موقعیت انقلاب

کارگری چیست و حزب ما در این میان چه جایگاه ویژه‌ای داشته و میتواند داشته باشد؟ کدام پروسه‌های عینی و واقعی در جامعه بیرون از ذهن توسط حزب ما به پیش رانده شده و یا میتواند و باید به پیش رانده شود؟ چرا طبقه کارگر چه در مقیاس جهانی و چه در ایران این چنین متفرق است؟ چرا صحنه سیاست در ایران در چندین دهه اخیر ملک احزاب بورژوازی بوده است؟ چرا کمونیسم متشکل در زبان، تبلیغ، عمل و موجودیت سازمانی خود از طبقه کارگر جدا افتاده است؟ چرا اعتراضات جاری کارگری متحدانه نیست؟ چه چیز مانع پیوند عملی کمونیسم با رهبران عملی جنبش کارگری است؟ جنبش کمونیستی در کردستان را چگونه پیروز میکنیم؟ حزب ما

لازم است که در حاشیه به نقش محوری نمایندگان و کادرها بعنوان "عنصر تجربه" که در کنگره ۴ گرد هم می‌آیند اشاره ای بکنم. کسانی که از مسایل سرسری نمیگذرند، کسانی که هر کلمه، هر استدلال و هر پیشنهادشان بار عملی ملموس و زنده‌ای خواهد داشت که به دنیایی از تجربه مبارزاتی متکی است. بیشک عنصر تجربه، امید و اعتماد به پیروزی و پیشروی حزب حکمتیست را صد چندان میکند. ما راه طولانی و پرافت و خیزی را در پیش داریم. برای پیمودن این راه باید مجهز بود.

کارگران جهان متحد شوید  
زنده باد اول ماه مه



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)